



عقیده برای مدیریت جهاد

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

عنکبوت: ۶۹

■ مفاهیم برآمده از انقلاب اسلامی، دارای وجوه متعددی هستند. هم، صبغه‌ای از آرمان‌خواهی درونشان است، هم درون‌مایه‌ای استکبارستیز دارد، هم احیاءگر سنت‌های مخصوص و مروی اسلامی است و هم وارث ارزش‌های اخلاقی ناب دینی مانند ایثار، تعاون، یک‌رنگی و همدلی است. این مفاهیم، آنچنان پرشور، در زندگی شخصی و اجتماعی مردم وارد شدند، که دوره اول انقلاب را به دوره‌ای کاملاً متمایز و درخشان و به قول امروزی‌ها نوستالژیک تبدیل کرد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم تولیدی انقلاب اسلامی، «جهاد سازندگی» بود.





رنگ‌تر و بی روح‌تر و باصطلاح
فرمالیته شد.

حالا، سال‌هاست که ضرورت نگاه
جهادی در فعالیت‌ها و مدیریت
جهادی در سازماندهی امور به
عنوان یک خلأ و آسیب جدی
و حیاتی، تذکر و هشدار داده
می‌شود. رهبر فرزانه انقلاب، بارها
و بارها، لزوم جهادی عمل کردن را
متذکر شده‌اند و آن را، راه مطلوبی
برای اکنون انقلاب اسلامی نام
برده‌اند. حتی در این میانه، یک
سال را به عنوان سال «عزم ملی
و مدیریت جهادی» نامیدند و
فرمودند که این توصیه برای همه
سال‌های پیشرو برای ملت، مورد
نیاز است.

به نظر می‌رسد این عرصه،
یک عرصه کاملاً عملیاتی است
و آنچه را که در اوان پیروزی
انقلاب دیدیم، نیز حکایت از
همین وضعیت عملیاتی داشت.
به عبارت دیگر، کسی نیامد «از
لحاظ دانشی» به تئوریزه کردن
این حوزه پیردازد و افراد دیگری
بر آن مبنا و منوال، آن را عملیاتی
کنند. اما آنچه در سال‌های ادغام
و انحلال و التقاط فعالیت‌های
انقلابی شاهد بوده‌ایم، این
است که انگار دیگر شرایط برای
انجام فعالیت جهادی، آن هم

نمود. تلاش برای ساخت‌دهی،
عموماً از اینجاست می‌گرفت که
بتوانند با بسیج امکانات و قدرت
ستادی و پشتیبانی بیشتر، یک
کار انقلابی را سرعت ببخشند، اما
خیلی زود، انحراف جدی اتفاق
افتاد و آن انتقال یک فعالیت
پویا و انقلابی مردمی به یک
ساختار ایستا و اداری دولتی
بود. در حقیقت، عوارض منفی
فعالیت‌های با تصدی‌گری دولت
کاملاً منتقل شد و فواید یک کار
مردمی جمع‌گرا نیز زائل گردید.
بدیهی است هر چه زمان بر این
ساختارهای ایستا می‌گذشت،
جمود فعالیت‌ها بیشتر می‌شد و
مهم‌ترین، رنگ و لعاب ایثارگری
و دیگرخواهی هم کم‌رنگ‌تر و
بی‌مایه‌تر می‌شد. طرفه آنکه،
اگر می‌خواهیم آرمان‌خواهی در
فعالیت‌ها استحاله شود، بهترین
و راحت‌ترین راه، اضافه کردن قوه
حساب‌گری مادی و به اصطلاح دو
دو تا چهار تا، در متن یا حاشیه
است که یکی از ثمرات زودبازده
آن، نگاه‌های ساختاریافته و
ایستا است. لذا طولی نکشید که
کمیت، نیروی انتظامی شد و جهاد
هم به ظاهر ادغام و در حقیقت
مستحیل. تقریباً با این دو اتفاق
و مشابه آن، صبغه جهادی کم

در حقیقت ورود مفهوم جهاد
به عرصه ساخت و آبادانی کشور
خاصه در روستاها و در حمایت
از محرومین و پابرهنگان و کوخ
نشینان، ترکیبی مبارک را رقم
زده بود. این مفهوم ابتدائاً حوزه
کشاورزی را هدف قرار داد و البته
بعدها، حوزه‌های عمرانی، صنعتی
و سازندگی دیگر را نیز در برگرفت.
مهمترین و محوری‌ترین نگاه در
این عرصه، مهرورزی حقیقی و
دستگیری از هم نوع بدون دریغ
و منت بود. این تعاطف، طوری
کارها را پیش می‌برد که شاید هیچ
سوخت دیگری، این همه همدلی،
دیگرخواهی، اتحاد و ایثار تولید
نمی‌کرد.

با شروع جنگ، این ایثار در
عالی‌ین سطحش که جنگ و
جهاد در راه خدا و جانبازی برای
دین و میهن بود، جلوه کرد و ظهور
یافت.

البته آرام آرام، ساخت‌دهی
فعالیت‌های انقلابی هم شروع
شد. در میانه جنگ، کمیته‌های
انقلاب به وزارت کشور منتقل
شدند و جهاد هم دارای وزارت
خانه‌ای شد و شیخ‌الوزرای فعلی
کابینه دولت آقای روحانی، در
آن زمان، اولین تجربه وزارتی‌اش
را در وزارت جهاد سازندگی آغاز



به صورت گسترده و فراگیر مهیا نیست. انگار، اولویت‌ها و نیازها تغییر کرده است. انگار سبک زندگی امروزی، مدیریت جهادی و جهادی عمل کردن را عنصری نامطلوب و یا حداقل ناسازگار با سایر عناصر می‌داند. انگار و انگار و صدها انگار دیگر... به همین منظور، شاید لازم باشد، از مجموع فضا و فعل سال‌های

اول انقلاب - همان سال‌ها که بدون بخشنامه و دستورالعمل، ایثارگری و جهادی عمل کردن، نشانه عمل صالح بود و دیگر هیچ - به دنبال پیش‌نیازها و الزامات و ملزوماتی باشیم که سبب‌ساز درخشان شدن چهره فعالیت‌های انقلابی به صورت جهادی شدند. فهم درست و دقیق فضایی که این فعالیت‌ها را امکان بروز و

ظهور می‌داد و تجارب جهادی دوران‌های مختلف، به ما کمک می‌کند که در مورد تحقق این موضوع در الآن انقلاب اسلامی، امکان‌سنجی کنیم و اگر شرایط را بر وفق مراد نیافتیم، به دنبال راه و چاره برای برون‌رفت از وضعیت ناساز و نازای مدیریت امروزی و نسخه‌های وارداتی‌اش باشیم.

■ هسته مطالعاتی مدیریت جهادی مرکز رشد برای این منظور قیام کرده است؛ قیام کرده تا بتواند امری زمین‌مانده و بسیار ضروری و واجب حیات امروزی‌مان را فهم کند و بفهماند و این موضوع علاوه بر تبدیل شدن به یک مطالبه عمومی به یک گفتمان ملی و وفاق انگیز بدل گردد.

بدین منظور، هسته مدیریت جهادی، ظرفیت‌های متعدد و مختلفی را طراحی و برنامه‌ریزی نموده است. بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی، کارگاهی، تحقیقاتی، ارتباطی و رسانه‌ای که به نوعی نقش سایر حلقه‌های مکمل در زنجیره عرضه و نشانند مدیریت جهادی در عرصه نظر و

عمل را دارد، از این جمله‌اند. یکی از ابزارهای رسانه‌ای هسته، مجله مدیریت جهادی است.

این مجله از این جهت متولد می‌شود تا:

- ۱- فهم بهتری از این سبک مدیریت - یا دقیق‌تر مکتب - در کنار سایر انواع مدیریت حاصل شود.
- ۲- تجربه‌های مختلف در عرصه‌های متفاوت ارائه و عرضه شود.
- ۳- قابلیت تبدیل این حوزه در یک عرصه دانشی فراهم شود.
- ۴- زمینه‌ساز اشاعه و ترویج این نوع مدیریت شود.
- ۵- اطلاعات و اخبار برجسته این حوزه منتقل شود.
- ۶- ظرفیت تبادل اطلاعات و تعامل بین بازیگران مختلف این عرصه در سطوح مختلف (سیاست‌گذاران،

فرهنگ‌سازان، مجریان و...) فراهم شود.
۷- تجربه سایر کشورها در این حوزه، منتقل گردد.

از آنجا که ظرفیت‌های مختلف انتقال مطلب به صورت نوشتاری در قیامت و قالب یک نشریه، بسیار بالاست، لذا تلاش می‌شود با انتشار این نشریه، نوعی تازگی و طراوت در عرصه مدیریت جهادی حاصل شود. امید است در این مسیر، از ارشادات و همراهی‌ها و همیاری‌های همه دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به این «ضروری امروزی انقلاب اسلامی» بهره‌مند شویم.

ان شاء الله.

